

بانک رفاه کارگران؛ بازوی حیاتی تأمین اجتماعی

بازگشت بانک رفاه به ساختار تأمین اجتماعی، فرصتی تاریخی برای حفظ ماهیت اجتماعی بانک و تسهیل ایفای تعهدات مالی و بیمه‌ای بزرگ‌ترین صندوق اجتماعی کشور است



بانک رفاه کارگران، بیش از آنکه یک نام در ترازنامه نظام بانکی باشد، بخشی از حافظه‌ی نهادهی تأمین اجتماعی است؛ نهادهی که دارایی‌هایش نه از رانت دولتی، بلکه از حق بیمه میلیون‌ها کارگر و بازنشسته انباشته شده است. هرگاه توازن منابع و مصارف بزرگ‌ترین صندوق بیمه اجتماعی کشور به هم خورده، این بانک در حکم ضربه‌گیر مالی ظاهر شده و امکان ایفای تعهدات را حفظ کرده است. با این حال، در سال‌های اخیر، نسبت میان مالکیت و اختیار در بانک رفاه دچار اختلال شد؛ اختلالی که آن را از یک ابزار پشتیبان اجتماعی به موضوعی مناقشه‌برانگیز در سیاست‌گذاری عمومی تبدیل کرد. بر اساس احکام برنامه هفتم پیشرفت، اگرچه مالکیت صددرصدی سهام بانک همچنان متعلق به سازمان تأمین اجتماعی باقی ماند، اما اختیار مدیریتی آن به‌طور معناداری محدود و بخش اعظم مدیریت به نهادهی بیرون از سازمان واگذار شد؛ تصمیمی که عملاً پیوند نهادهی بانک با متولی دارایی بیمه‌شدگان را گسست. این وضعیت، نزدیک به دو سال تداوم یافت و پرسش‌های جدی درباره ماهیت اجتماعی بانک رفاه و جایگاه آن در پایداری تأمین اجتماعی ایجاد کرد. اکنون، با بازگشت مدیریت بانک رفاه به سازمان تأمین اجتماعی، این پرسش دوباره به متن سیاست‌گذاری بازگشته است که آیا می‌توان بدون ابزار مالی اختصاصی، از نهادهی سخن گفت که مأموریت آن تأمین امنیت معیشتی نیمی از جمعیت کشور است یا خیر.

شکاف میان مالکیت و اختیار

خروج بانک رفاه کارگران از ساختار سازمان تأمین اجتماعی، نه یک تصمیم فنی محدود، بلکه حاصل غلبه یک قرائت خاص از حکمرانی اقتصادی در چارچوب برنامه هفتم پیشرفت بود. در این چارچوب، تفکیک بانک از سازمان بیمه‌گر جامعه کار و تولید با اهدافی چون افزایش استقلال عملیاتی، جذب

سرمایه‌گذار، توسعه خدمات در فضای رقابتی و کاهش بار مالی تأمین اجتماعی صورت‌بندی شد. این اهداف، در ظاهر، با منطق اصلاح ساختار بانکی هم‌راستا بود، اما در عمل، نسبت بانک رفاه با مأموریت اجتماعی آن را به حاشیه راند. محدودسازی اختیار مدیریتی سازمان تأمین اجتماعی به ۳۳ درصد، در حالی که مالکیت سهام به‌طور کامل حفظ شده بود، شکافی معنادار میان «دارایی» و «تصمیم» ایجاد کرد؛ شکافی که پیامد آن، کاهش کارکرد حمایتی بانکی بود که اساساً برای خدمت به بیمه‌شدگان شکل گرفته است. در این وضعیت، بانک رفاه از یک ابزار پشتیبان سیاست‌های اجتماعی، به نهادهی نیمه‌منفصل بدل شد که نه الزامات بازار را به‌طور کامل برآورده می‌کرد؛ نه مأموریت اجتماعی خود را بی‌هزینه پیش می‌برد. همین تعارض، به‌تدریج نقد‌های حقوقی، نهادی و اجتماعی را متراکم کرد و پرسش از مشروعیت این جدایی را به متن منازعه سیاست‌گذاری بازگرداند؛ پرسشی که نهایتاً مسیر بازنگری در تصمیم اولیه را هموار ساخت.

بازگشت دارایی به ذی‌نفعان واقعی

بازگشت بانک رفاه به ساختار سازمان تأمین اجتماعی، بر بستری از استدلال‌های حقوقی و اجتماعی شکل گرفت که فراتر از یک اصلاح اداری ساده بود. پیگیری برای اخذ مجوز سران قوا جهت مستثنی شدن بانک از شمول برنامه هفتم، هم‌زمان با تشریح پیامدهای فقدان اختیار مدیریتی تأمین اجتماعی، زمینه‌بازتعریف جایگاه این نهاد مالی را فراهم کرد. در این فرایند، تأکید بر اینکه بانک رفاه بخشی از دارایی‌های بیمه‌شدگان است، نقشی تعیین‌کننده داشت؛ دارایی‌ای که باید در خدمت کفایت، جامعیت، فراگیری و به‌ویژه پایداری نظام بیمه‌های اجتماعی قرار گیرد. حسن صادقی، رئیس اتحادیه جامعه پیشکسوتان کارگری، با ارجاع به مواد متعدد قوانین برنامه‌های و احکام دائمی بر این نکته

تأکید می‌کند که اصلاحات بدون توجه به پایداری، به تضعیف بنیان تأمین اجتماعی می‌انجامد. از نظر او، تلقی دولتی از بانکی که ماهیت غیردولتی دارد و محدودسازی سهامداری سازمان، عملاً بانکی را از کار انداخت که در گشایش اعتبارات، اعطای تسهیلات و حفظ دارایی‌های بیمه‌شدگان نقشی کلیدی ایفا می‌کرد. قطع این پیوند مدیریتی، مسیر توسعه و ماندگاری تأمین اجتماعی را مسدود ساخت و همین تجربه، بازگشت بانک رفاه به صاحبان واقعی آن را به ضرورتی اجتناب‌ناپذیر بدل کرد.

بانکی برای عبور از بحران تعهدات

بازگشت بانک رفاه کارگران به ساختار سازمان تأمین اجتماعی، صرفاً یک تصمیم مدیریتی یا جابه‌جایی نهادی نیست، بلکه نقطه تلاقی منابع مالی، تعهدات اجتماعی و منطق پایداری بزرگ‌ترین صندوق بیمه‌ای کشور است. بانکی که در مناسبات مالی تأمین اجتماعی نقش ضرر به‌گیر داشته، اکنون بار دیگر در جایگاهی قرار گرفته که می‌تواند ایفای تعهدات انباشته و پرهزینه این سازمان را تسهیل کند و از تشدید شکاف میان منابع و مصارف جلوگیری نماید. در شرایطی که نهاد بیمه‌گر نیمی از جمعیت کشور با فشارهای فزاینده جمعیتی، درمانی و بازنشستگی مواجه است، بازگشت یک بازوی مالی اختصاصی، بیش از آنکه یک امتیاز نهادی باشد، ضرورتی برای بقا تلقی می‌شود.

مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی، هشتم بهمن‌ماه در نشست هم‌اندیشی با حضور وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، مدیران بیمه‌ای و درمانی استان‌ها و نمایندگان کانون‌های بازنشستگان و مستمری‌بگیران، بر همین معنا تأکید کرد و بازگشت بانک رفاه را استرداد بخشی از دارایی‌های تأمین اجتماعی به ذی‌نفعان واقعی آن دانست. از نگاه مصطفی سالاری، این تصمیم یکی از نگرانی‌های دیرپای کارگران و بازنشستگان را کاهش داده و امکان برنامه‌ریزی منسجم‌تر برای ایفای تعهدات

سازمان را فراهم کرده است. این بازگشت، نتیجه پیگیری‌های مستمر سازمان تأمین اجتماعی و حمایت وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، همراهی دولت و مجلس و مساعدت سران قواست؛ مطالبه‌ای که سال‌ها در میان جامعه حدود چهل و هشت میلیون نفری تحت پوشش تأمین اجتماعی انباشته شده بود. حسن صادقی، رئیس اتحادیه جامعه پیشکسوتان کارگری، نیز بازگشت بانک رفاه را در امتداد مفاهیمی چون پایداری، جامعیت، فراگیری و کفایت ارزیابی می‌کند و معتقد است هیچ‌یک از این مؤلفه‌ها بدون دیگری معنا ندارد. به گفته او، بانک رفاه در بسته جامعیت و فراگیری قرار می‌گیرد و حذف آن، تعادل تأمین اجتماعی را بر هم می‌زند. پیگیری این مطالبه در نشست‌های کارگری، دیدار با رئیس‌جمهور و رایزنی با مجلس، نهایتاً این پیام را به سیاست‌گذاران منتقل کرد که بدون بانک رفاه، تأمین اجتماعی در مسیر بحران قرار می‌گیرد.

حامی مالی جامعه کارگری

بازگشت بانک رفاه کارگران به ساختار سازمان تأمین اجتماعی، مجموعه‌ای از آثار نهادی و کارکردی را به همراه داشته که فراتر از اصلاح یک وضعیت اداری قابل ارزیابی است. در نخستین سطح، این بازگشت به ثبات مدیریتی و هماهنگی بیشتر در سیاست‌گذاری انجامیده است؛ هماهنگی‌ای که امکان هم‌راستاسازی تصمیمات مالی بانک با مأموریت‌های بیمه‌ای و اجتماعی سازمان را فراهم می‌کند. هم‌زمان، حفظ هویت اجتماعی بانک رفاه و تداوم خدمت‌رسانی هدفمند به جامعه کارگری و بازنشستگی، بار دیگر در مرکز عملکرد این نهاد مالی قرار گرفته و از فاصله‌گیری آن از مأموریت تاریخی‌اش جلوگیری کرده است. در سطحی دیگر، یکپارچگی اطلاعاتی میان سامانه‌های بانکی و بیمه‌ای، افق تازه‌ای برای ارتقای کارآمدی و شفافیت گشوده است. این هم‌افزایی اطلاعاتی می‌تواند به کاهش هزینه‌های میدانه، تسریع ارائه خدمات و بهبود شاخص‌های مالی سازمان تأمین اجتماعی منجر شود؛ شاخص‌هایی که در سال‌های اخیر زیر فشار تعهدات انباشته، با چالش جدی مواجه بوده‌اند. در همین چارچوب، بهره‌گیری هدفمند از ظرفیت‌های مشترک، امکان تدوین پیشنهادات راهبردی واقع‌بینانه را فراهم می‌سازد. تدوین سند راهبردی پنج‌ساله با مشارکت ذی‌نفعان، ایجاد شورای نظارت اجتماعی با حضور نمایندگان کارگران و بازنشستگان، توسعه بانکداری دیجیتال تخصصی و افزایش شفافیت از طریق گزارش‌دهی منظم، از جمله مسیرهایی است که می‌تواند این آثار مثبت را تثبیت و ماندگار کند. بانک رفاه، به‌عنوان یکی از ارکان مهم نظام تأمین اجتماعی ایران، اکنون فرصت تاریخی بازتعریف نقش خود را در اختیار دارد؛ فرصتی که هم‌زمان به حفظ ماهیت اجتماعی بانک و هماهنگی مؤثرتر میان خدمات مالی و بیمه‌ای انجامیده است. از این منظر، بانک رفاه نه صرفاً یک مؤسسه اعتباری، بلکه بازوی مالی و تسهیلاتی سازمان تأمین اجتماعی در ایفای تعهدات در قبال بیمه‌شدگان، مستمری‌بگیران و شرکای اجتماعی به شمار می‌رود. به گفته رئیس اتحادیه جامعه پیشکسوتان کارگری، تمرکز مدیریت کنونی تأمین اجتماعی بر پایداری منابع و پرکردن خلأهای برنامه‌ای، نقش بانک رفاه را در کاهش فشارهای مالی برجسته کرده و آن را به یکی از عوامل کلیدی عبور سازمان از شرایط پریرسک کنونی بدل ساخته است.

مهناز بیرانوند

روزنامه نگار

بازگشت بانک رفاه نه تنها پیوند میان منابع مالی و تعهدات بیمه‌ای را

بازسازی می‌کند، بلکه مسیر ثبات مدیریتی و هم‌افزایی سامانه‌های بیمه‌ای و بانکی را هموار ساخته است

تأمین

۳



یادداشت
O P I N I O N



علیر ضاحدري

کارشناس حوزه بیمه‌های اجتماعی

الزامات و ضرورت‌های توسعه بیمه‌ای

توسعه بیمه‌های اجتماعی و افزایش ضریب نفوذ پوشش بیمه‌ای در کشور، ضرورتی ملی و شرطبلی برای تحقق عدالت اجتماعی، تضمین پایداری صندوق‌های بیمه‌ای و کاهش آسیب‌پذیری اقتصادی خانواده‌ها است. این مسیر نه تنها به سیاست‌های کلان رفاهی و تأمین اجتماعی متکی است، بلکه نیازمند اقدام هماهنگ، مستمر و هدفمند نهاد‌های بیمه‌گر، به‌ویژه سازمان تأمین اجتماعی، است. این سازمان با پوشش ۵۶ درصد جمعیت کشور و سهم ۷۰ درصدی از بیمه‌شدگان، محور اصلی توسعه بیمه‌های اجتماعی و تحقق تکالیف قانونی نظیر اصل ۲۹ قانون اساسی و ماده یک قانون تأمین اجتماعی محسوب می‌شود و ظرفیت جذب گسترده بیمه‌شدگان جدید و توسعه جامعه تحت پوشش را به شکل هم‌زمان دارد. در سال‌های اخیر، برنامه‌ریزی برای تعادل بخشی منابع و مصارف، توسعه پوشش بیمه‌ای و گسترش بیمه‌شدگان، مهم‌ترین دستاورد سازمان تأمین اجتماعی بوده است. تحقق برنامه‌های درآمدزایی، کنترل هزینه‌ها و وصول بخش قابل توجهی از مطالبات از دولت، امکان افزایش ورودی‌های مستمر و ماهانه صندوق‌ها را فراهم کرده و تمرکز این نهاد بر توسعه بیمه‌های اجتماعی را تسهیل می‌کند. تمرکز ویژه بر جذب گروه‌های بدون بیمه، به‌ویژه فعالان حوزه کسب و کار، شاغلان غیررسمی و گروه‌های اجتماعی خاص، یکی از مؤثرترین راهکارها برای افزایش تعداد بیمه‌شدگان، کاهش ناترازی صندوق‌های بیمه‌ای و ارتقای نرخ پشتیبانی مالی آنها محسوب می‌شود و اثر مستقیمی بر پایداری بلندمدت نظام بیمه‌ای دارد. گسترش چتر پوششی تأمین اجتماعی نه تنها نرخ پشتیبانی صندوق‌ها را ارتقا می‌دهد، بلکه منابع مالی لازم برای پرداخت مستمری‌بیش از پنج میلیون بازنشسته و ارائه خدمات درمانی به نزدیک به ۴۹ میلیون نفر تحت پوشش را تأمین می‌کند. ورود شاغلان بخش غیررسمی، ورزشکاران، هنرمندان و دیگر گروه‌های اجتماعی به جمع بیمه‌شدگان، افزایش منابع صندوق‌ها و تقویت ضریب پایداری آنها را ممکن ساخته و منافع دوسویه‌ای برای سازمان و جامعه به همراه دارد. این روند همچنین به توسعه اقتصاد رسمی و کاهش فرار مالیاتی کمک کرده و ظرفیت سرمایه‌گذاری و ارتقای کیفیت خدمات بیمه‌ای را تقویت می‌کند. پوشش کامل بیمه‌ای نیازمند بهره‌گیری از ظرفیت همه صندوق‌های بیمه‌ای و استفاده از سازوکارهای قانونی موجود است. شناسایی نیروی کار بدون بیمه، اقدامات قانونی در حوزه بازرسی و مقابله با فرارهای بیمه‌ای و تشویق به بیمه‌های اختیاری ابزارهای کلیدی تعمیم بیمه‌های اجتماعی هستند. با توجه به اینکه حدود یک‌چهارم جمعیت از مزایای بیمه‌ای محروم‌اند و ضریب نفوذ کلی به ۷۳ درصد رسیده، اصلاح قوانین، تدوین مقررات جدید و بسترسازی حقوقی لازم برای توسعه بیمه‌های اجتماعی، گامی ضروری برای فراگیری کامل پوشش بیمه‌ای و تضمین پایداری نظام تأمین اجتماعی خواهد بود و فرصت‌های گسترده‌ای برای رشد اشتغال، کاهش نابرابری و تقویت اقتصاد رسمی ایجاد می‌کند.